

Threats toward the Islamic Republic of Iran through the South Caucasus Strategic Position and Countermeasures

Fathollah Kalantari¹

Peyman Kavianifar²

Historically, security developments in the South of Caucasus have had a direct impact on Iran's national security interests. The Southern Caucasus is reason for the formation of various threatening movements against the security and national stability of the Islamic Republic of Iran, some of which have an increasing threatening coefficient. Identification of threatening dynamics in the South Caucasus region against the national security of the Islamic Republic of Iran was considered as the central issue of this study and an attempt was made to prioritize these threats in the region to provide optimal solutions to deal with it. The main question is; "what are the most important threats to the Islamic Republic of Iran through the South Caucasus and what are Iran's strategies to curb them?" "The research method is qualitative-quantitative (mixed). The overall result is that security and economic / geoeconomic threats have a higher priority in the South Caucasus. The most important research strategies are to enhance cooperation with Asian powers, prioritize various cross-border infrastructure projects to deal with geopolitical depletion, establish a technical-engineering needs assessment office in the region, use local technical capacity and engineering to meet the technical-engineering needs of countries and finally Activation of defense diplomacy capabilities.

Keywords

Security, Islamic Republic of Iran, Security Strategy, Southern Caucasus, Security complexity.

1. Corresponding author: Assistant Professor, Department of Strategic Defensive Sciences, National Defense University, Tehran, Iran
Ffka @chmail.ir

2. MA, Department of Regional Studies, College of Law and Political Sciences, Tehran University, Tehran, Iran
Pkavianifar@gmail.com

پویش‌های تهدیدزای منطقه قفقاز جنوبی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

فتح لله کلانتری^۱

پیمان کاویانی‌فر^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

نشریه علمی آفاق امنیت / سال چهاردهم / شماره پنجاه و دوم - پاییز ۱۴۰۰: ۱۸۵-۲۰۶

چکیده

وضع موجود آسیای مرکزی و قفقاز با توجه به تکرر پویش‌های فروملی، درون منطقه‌ای، بین منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، دربردارنده فرصت‌ها و تهدیدهای قابل توجهی برای ایران است. قفقاز جنوبی بستر و پهنه شکل‌گیری پویش‌های تهدیدزای متنوعی علیه امنیت و ثبات ملی جمهوری اسلامی ایران است که برخی از آن‌ها ضریب تهدیدزایی فزاینده‌ای نیز دارند. شناسایی پویش‌های تهدیدزای منطقه قفقاز جنوبی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مسأله محوری این پژوهش در نظر گرفته و تلاش شد با اولویت‌بندی این تهدیدات در منطقه، راه‌کارهای بهینه‌ای جهت مقابله با آن ارائه شود. سؤال اصلی این است که مهم‌ترین پویش‌های تهدیدزای متوجه جمهوری اسلامی ایران از طریق قفقاز جنوبی کدامند و راه‌کارهای ایران برای مهار آن‌ها چیست؟ روش پژوهش، کیفی - کمی (آمیخته) است. نتیجه کلی حاصله اینکه در قفقاز جنوبی تهدیدهای امنیتی و اقتصادی/ژئواکونومیکی، اولویت بالاتری دارند. اهم راه‌کارهای پیشنهادی پژوهش عبارتند از ارتقای همکاری‌ها با قدرت‌های آسیایی، اولویت‌دادن به پروژه‌های زیرساختی فرامرزی مختلف برای مقابله با تخلیه ژئوپلیتیکی، برپایی دفتر بررسی نیازهای فنی - مهندسی کشورهای منطقه، استفاده از توان فنی و مهندسی بومی برای رفع نیازهای فنی - مهندسی کشورها و سرانجام، فعال‌سازی ظرفیت‌های دیپلماسی دفاعی.

کلید واژه‌ها

امنیتی‌سازی؛ جمهوری اسلامی ایران؛ راهبرد امنیتی؛ قفقاز جنوبی؛ مجموعه امنیتی.

۱. نویسنده مسئول: استادیار، علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران Ff.ka@chmail.ir

۲. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Pkavianifar@gmail.com

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری‌های جنوبی، به‌ویژه در زمان حاکمیت اوروآتلانتیک‌گرایانی که به حضور غرب در منطقه بی‌اعتنا بودند، رقابت و تلاش برای نفوذ در منطقه قفقاز جنوبی از سوی قدرت‌های بزرگ بین‌المللی و حتی قدرت‌های منطقه‌ای آغاز شد. این منطقه و ظرفیت‌های آن از نگاه‌های سیاسی - امنیتی، اقتصادی، فرهنگی برای قدرت‌های بزرگ جهانی اهمیت دارد. تأثیرگذاری بر روی ایران و روسیه و همچنین ذخایر عظیم هیدروکربنی در حوزه دریای خزر، یکی از اصلی‌ترین عواملی است که قفقاز جنوبی را به کانون کشمکش‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی تبدیل کرده است. اتحادیه اروپا و چین، تأمین امنیت انرژی را در کانون امنیت ملی خود قرار داده‌اند و قفقاز می‌تواند یکی از منابع عرضه انرژی به کشورهای صنعتی بزرگ از جمله اتحادیه اروپا و چین باشد. قدرت‌های بزرگ صنعتی علاقه‌مند هستند وابستگی به نفت غرب آسیا را کاهش داده و مراکز عرضه انرژی به جهان صنعتی را متنوع کنند. با این وجود، ثروت و ذخایر طبیعی این منطقه، تنها انگیزه قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای نبوده و عناصر سیاسی، امنیتی، راهبردی و ملاحظات ژئوپلیتیک نیز اهمیت ویژه‌ای دارند. قفقاز جنوبی اهمیت راهبردی و نظامی هم دارد. درحقیقت، اتصال به چندین منطقه مهم، اهمیت ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی، قفقاز و حوزه خزر را برای قدرت‌های جهانی روشن می‌سازد. این منطقه از یک طرف به اروپا، روسیه و غرب آسیا و از سوی دیگر، به چین که قدرتی در حال ظهور و قدرتمند است پیوند یافته، از این رو به تقریب، تمامی قدرت‌های بزرگ جهان و قدرت‌های منطقه‌ای، از زاویه منافع خاص خودشان به این منطقه توجه می‌کنند. درواقع بسیاری از تحولات این پهنه، بی‌درنگ زنجیره‌ای از پیامدها را در مناطق پیرامونی ایجاد می‌کند.

قدرت‌های متوسط مانند رژیم صهیونیستی، ترکیه، پاکستان و عربستان نیز با توجه به توانایی‌ها و علایق امنیتی، اقتصادی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی خویش در این منطقه فعالیت می‌کنند. ایران تأثیر بسیار قوی از تحولات قفقاز جنوبی می‌پذیرد. سیاست‌های آمریکا به‌منزله عنصر سلطه‌طلب نظام بین‌الملل کنونی، تنها بخشی از مسائل کشورهای مختلف است و در کنار این پویاها، در تراز درون منطقه‌ای، ملی و فروملی نیز پویاها بسیار مهمی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، محیط زیستی و اجتماعی - فرهنگی وجود دارد که مراکز تصمیم‌سازی ایران، باید درک عمیق و اولویت‌بندی‌شده‌ای از آن‌ها داشته باشند. ضرورت تحقیق این است که شناخت ناکافی از پویاها تهدیدزای حاضر در قفقاز و عدم اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی مناسب و بهینه برای آن‌ها، می‌تواند باعث عقب‌ماندن از روند



تحولات، بی‌برنامگی در برابر تهدیدهای نوپدید و شگفتی‌ساز و هم‌چنین از دست دادن فرصت‌های نقش‌آفرینی شود. به بیان دیگر ضرورت‌های تحقیق عبارتند از:

- توجه نکردن به موضوع تحقیق می‌تواند باعث غافل‌گیری مسئولان لشکری و کشوری در برابر تهدیدهای نوظهور در قفقاز جنوبی شود.
- توجه نکردن به اولویت‌بندی تهدیدات قابل شکل‌گیری در قفقاز جنوبی، ممکن است باعث غفلت مسئولان از تهدیدات اصلی و مشغول شدن به تهدیدات فرعی شود.
- توجه نکردن به موضوع تحقیق باعث می‌شود در انتخاب راه‌کار عملی مقابله، به‌درستی عمل نشود و با توجه به مسأله یادشده، سؤال اصلی این است که «اولویت‌بندی مهم‌ترین پوش‌های تهدیدزای متوجه جمهوری اسلامی ایران از طریق قفقاز جنوبی و راه‌کارهای مقابله با آن کدامند؟» پرسش‌های فرعی عبارت هستند از:

- راه‌کارهای مهار تهدیدهای قفقاز جنوبی کدامند؟
- هفت پوش اصلی تهدیدزا در قفقاز جنوبی کدامند؟
- عواملی که در برابر تهدیدات قفقاز جنوبی بر امنیت ملی ایران مؤثر هستند کدامند؟

محیط‌شناسی و رهیافت نظری پژوهش

فروپاشی اتحاد شوروی به پدیدار شدن هشت کشور جدید در پهنه جغرافیایی دو منطقه آسیای میانه و قفقاز جنوبی منتهی گردید. قفقاز جنوبی شامل کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان است. در سال‌های پایانی دهه هشتاد میلادی و اواخر دوران اتحاد جماهیر شوروی، بحران‌های شدید امنیتی در این منطقه شکل گرفت که بیشتر این تعارضات، ریشه در دوران گذشته و سیاست شوروی در سرکوب قوم‌گرایی داشت (کاظم‌زاده، ۱۳۸۷). از سوی دیگر واحدهایی جنینی در قالب مناطق خودمختار در قفقاز جنوبی شکل گرفته است که برخی از آن‌ها ظرفیت تهدیدزایی قابل توجهی علیه ایران دارند. تبادل ارضی در چارچوب طرح گوبل از جمله این تهدیدها است. حضور رژیم صهیونیستی و دایر شدن سفارت‌خانه‌های این رژیم، مسأله انتقال انرژی، تحریکات قومی علیه مناطق آذری‌نشین و گسترش سبک زندگی غربی، از دیگر پوش‌های تهدیدزایی است که از ناحیه قفقاز جنوبی علیه ایران شکل گرفته است. با توجه به پیچیدگی‌های پوش‌های

امنیتی در این منطقه و تقاطعات مختلف در نحوه تأمین منافع ملی ایران، تدوین راهبردهای قفقازی ایران باید مبتنی بر تجزیه و تحلیل پویای مختلف امنیتی در این منطقه، بازیگران، ذی‌نفعان و سطوح مختلف هر پویای امنیتی باشد.

برای مقابله با تهدیدات می‌توان طیف وسیعی از راهبردها و راه‌کارها را ارائه داد، درحالی‌که بسیاری از آنها ممکن است در چارچوب واحدی ننگنجد و از سیاست‌های کلان متضادی پیروی کنند. به بیان دیگر راهبردها و راه‌کارها باید سازوار باشند؛ بنابراین راهبردهای هم‌افزا و سازگار باید در چارچوب تحلیلی علمی تولید شوند. در تحلیل راهبردی (سوات)^۱ برای مقابله با تهدیدات، چهار گونه راهبرد می‌توان ارائه داد: نخست، راهبرد تهاجمی که در آن باید ترکیبی از نقاط قوت داخلی و فرصت‌های محیطی به‌صورت پیشینه در خدمت اهداف و برنامه‌ها قرار گیرند؛ دوم، راهبرد محافظه‌کاری که براساس آن، باید با استفاده از فرصت‌های محیطی بر ضعف‌های داخلی غلبه کرد؛ سوم، راهبرد رقابتی که تلاش می‌کند با استفاده از نقاط قوت داخلی به مهار تهدیدات خارجی پرداخت و این سؤال را مطرح می‌کند که چگونه با استفاده از نقاط قوت می‌توان اثر تهدیدات را حذف کرد یا کاهش داد و سرانجام، راهبرد تدافعی که با در نظر گرفتن تهدیدات تلاش می‌کند ضعف‌های خود را پوشش دهد.

پیش از ارائه راهبردهای پیشنهادی، لازم است موقعیت راهبردی فعلی بر روی محور مختصات به‌دست‌آید. برای این منظور باید از جدول عوامل داخلی، نمره ضعف‌ها را از نمره قوت‌ها و همچنین از جدول عوامل خارجی، نمره تهدیدها را از نمره فرصت‌ها کم کرده تا مختصات فعلی به‌دست‌آید. این نقطه، وضعیت و موقعیت فعلی راهبردی را در این حوزه نشان می‌دهد. در مرحله ارائه راهبرد، باید تهدیدات را با تکیه بر نقاط قوت داخلی مهار کرد و نقاط ضعف را با بهره‌گیری از فرصت‌ها کاهش داد. به بیان دیگر برای ارائه راهبردهای بهبود وضع موجود و حرکت به‌سوی وضع مطلوب، باید از نقاط قوت داخلی برای مهار تهدیدها استفاده کرده و همچنین نقاط ضعف داخلی را با استفاده از فرصت‌ها ترمیم کرد.

فروپاشی ناگهانی اتحاد شوروی، ایران را برآن داشت که سیاستی را با توجه به شرایط جدید در قفقاز تدوین کند. این سیاست حول محورهایی نظیر حفظ امنیت کشور و تمامیت ارضی آن، توسعه دو و چندجانبه روابط اقتصادی با کشورهای نوپا، تأکید بر اهمیت ژئوپلیتیک ایران از نظر ترانزیت کالا و انرژی برای کشورهای محصور در خشکی و برقراری روابط فرهنگی و سیاسی با اقوام و ملل منطقه شکل گرفت. سیاست قفقازی ایران



بعد از جنگ در اوستیای جنوبی، توسط وزیر امور خارجه ایران به‌عنوان بسته تهران (۳+۳) ارائه شد تا ایران، هم‌چنان به‌عنوان کشور حافظ صلح و دوستی در منطقه معرفی شود. این بسته شامل مواردی کلی چون تفاهم میان طرفین و عدم دخالت کشورهای فرامنطقه‌ای و حضور شش کشور منطقه یعنی ایران، روسیه، ترکیه، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان بود (ایراس، فروردین ۱۳۹۵).

ساختار امنیتی این منطقه را می‌توان با رویکردهای مختلفی تحلیل کرد. پیشتر، تقریباً تمام ابداعات نظری در روابط بین‌الملل در ایالات متحده صورت می‌پذیرفت؛ اما نظریه‌های جدیدتر با اماکنی چون آبریس توویس^۱ (مطالعات امنیتی - انتقادی^۲)، پاریس (با الهام‌گیری از آثار نویسنده پسامدرن، پیر بوردیو و مایکل فاکولت) و کپنهاگ^۳ (امنیتی-ساز)^۴ شناخته می‌شود (وور، ۲۰۰۴: ۱۷). مکتب کپنهاگ جزء اولین رهیافت‌هایی است که کوشیده جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی پایه‌گذاری کند (مک‌کین‌لای، ۱۳۸۰: ۴۵). از نظر اولی ویور و بوزان، می‌توان امنیت را در نظریه زبان‌شناسی، یک حرکت زبانی خواند (به‌شرطی که قدرت گفتمان‌سازی، متقاعدسازی در مورد تهدید و بسیج منابع را داشته باشد). برای نمونه نماینده دولت با بیان امنیتی در هر پدیده خاص، می‌تواند آن پدیده را وارد گستره ویژه‌ای سازد و منابع لازم را تجهیز کند (بوزان، ۱۳۸۹: ۴۲-۳۹). بدین ترتیب مفهوم امنیتی‌سازی نیز در مرکز تحلیل‌های امنیتی قرار می‌گیرد.

یک مجموعه امنیتی عبارت است از مجموعه‌ای از واحدها (مانند مجموعه‌ای از دولت‌ها در یک منطقه جغرافیایی، مجموع دولت‌های جهان سوم، یک کشور، سامانه اقتصادی جهانی یا هر سامانه دیگری) که در آن‌ها فرایندهای عمده امنیتی‌کردن و غیرامنیتی‌کردن تا آن اندازه درهم‌تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی آن‌ها نمی‌تواند جدا از یکدیگر تحلیل و حل شود (بوزان، ۲۰۰۳: ۱۴). هر مجموعه امنیتی ساختاری بنیادین دارد که از چهار جزء آنارشی، مرز، قطبش و الگوهای دوستی و دشمنی تشکیل شده است. گروهی از دولت‌ها یا دیگر بازیگران غیردولتی، باید از نظر امنیتی تا اندازه‌ای وابستگی متقابل داشته باشند که بتوان آن‌ها را یک مجموعه متصل به‌هم دانست (بوزان، ۱۳۸۸: ۶۱-۴۳). بخش نظامی، سیاسی، محیط زیستی، اقتصادی و اجتماعی تعریف شده که هر بخش، گفتمان و ارزش‌های خاص خود مثل حاکمیت، ثروت، هویت و پایداری زیست‌محیطی دارد (بوزان، ۱۳۹۲: فصول ۳ تا ۷).

1. Aberystwyth
2. Critical Security Studies
3. Copenhagen
4. Securitization

در مورد مؤلفه نخست، یعنی مرزهای امنیتی قفقاز جنوبی، سه کشور مستقل این منطقه - یعنی جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان - از لحاظ تاریخی و فرهنگی اشتراکات و پیوندهای پرشماری با خود و ازسوی دیگر با ایران دارند. هم‌چنین روسیه منافع گسترده‌ای برای خود در این منطقه تعریف کرده است و در گذشته در قالب چندین اقدام سعی کرده به پیش‌برد برنامه‌ها و اهداف خود بپردازد. در درجه دوم از پیوندهای امنیتی نیز، ایران و ترکیه نگرانی‌های امنیتی خاصی نسبت به این منطقه دارند؛ بنابراین مجموعه امنیتی قفقاز شامل سه بازیگر ملی، سه بازیگر پیرامونی (روسیه، ایران و ترکیه) و یک بازیگر جهانی (امریکا) است. پس از ۱۱ سپتامبر، رقابت‌های ژئوپلیتیکی به رقابت‌های نفتی امریکا در این منطقه افزوده شد (زدانی، ۲۰۱۴: ۱۴۰).

در زمینه انگاره‌های امنیتی غالب در قفقاز جنوبی، در سطح درون منطقه‌ای، شالوده الگوهای دوستی و دشمنی منطقه را مسائل قومی و جدایی‌طلبی شکل داده است. قطب‌بندی - قطبش - به‌عنوان سومین متغیر ساختاری یک مجموعه امنیتی نشان‌گر توزیع قدرت بین واحدهای تأثیرگذار بر مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی است. سطح جهانی قطبش شامل فعالیت‌های امریکا در قفقاز جنوبی است. در سطح بین‌منطقه‌ای، سایه روسیه بر تحولات منطقه سنگینی می‌کند و براین‌اساس، پویش بین منطقه‌ای قابل توجهی در سطح قفقاز جنوبی قابل شناسایی است. اتحادیه اروپا، ایران و ترکیه نیز دیگر پویش‌های سطح بین‌منطقه‌ای را ایجاد می‌کنند. در سطح درون‌منطقه‌ای قطبش در قفقاز جنوبی نیز سه قدرت ضعیف و تقریباً برابر و هم‌چنین بازیگران غیردولتی منطقه مانند گروه‌های قومی، افراط‌گرایان، جدایی‌طلبان و اقلیت‌ها، مهم‌ترین اثر را بر محیط امنیتی این منطقه دارند. هیچ یک از سه دولت را نمی‌توان بر پویش‌های درون‌منطقه‌ای مسلط دانست.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش برای پاسخ به سؤال اصلی، از پیمایش با استفاده از پرسش‌نامه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش از اعضای هیأت‌علمی پنج دانشگاه برتر کشور در رشته مطالعات منطقه‌ای و روابط بین‌الملل با تخصص و پنج مقاله پژوهشی مرتبط با موضوع پژوهش، استادان و کارشناسان دستگاه‌های نظامی و اجرایی (با تخصص مرتبط با منطقه) که حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی‌ارشد و ده سال تجربه در حوزه تخصصی مرتبط داشته باشند، پژوهش‌گران حوزه مطالعات منطقه‌ای با درجه دکتری و رساله مرتبط با مسأله پژوهش و سرانجام، بازرگانانی که با دو منطقه آسیای مرکزی و قفقاز تجارت کرده و حداقل درجه کارشناسی ارشد اقتصاد را داشته باشند، تشکیل شده است. شیوه



نمونه‌گیری از این جامعه آماری به صورت هدفمند و با توجه به ویژگی‌های جامعه نمونه و نظر استادان رشته مطالعات منطقه‌ای تعیین شد و در نهایت، لیست چهل‌ونه نفره‌ای که ویژگی‌های مذکور را داشته باشند تهیه شده و به تأیید ایشان رسید. دلیل انتخاب این جامعه آماری، ارتباط شغلی، علمی یا عملی افراد با موضوع و هدف پژوهش و شناخت کافی از تهدیدات آسیای مرکزی و قفقاز است. جامعه آماری چهل‌ونه نفر است. برای محاسبه حجم نمونه، کافی است حجم جامعه (N) و مقدار خطای قابل تحمل (d)، در فرمول کوکران قرار داده شود. برای قراردادن مقدار خطا از عدد ۰/۰۵ استفاده شده است و در نتیجه حجم نمونه آماری چهل‌وسه محاسبه شده است. پژوهش‌گر سؤال اصلی را براساس مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه، به پنج مؤلفه و بیست شاخص تجزیه کرد. در گام بعد برای گویه‌سازی و روایی پرسش‌نامه، از نظر خبرگان استفاده شد. در نهایت پرسش‌نامه با بهره‌گیری از نظرات استادان برجسته این حوزه به نقطه پایانی رسید و محتوای پرسش‌نامه، به گویایی و روایی لازم رسید. به‌واقع در این پژوهش، روایی پرسش‌نامه‌ها (و تأیید دیگر ابزارها و رویه‌های طی شده در تحقیق) به روش تأیید خبرگان به‌دست‌آمد. خبرگان بر این باور بودند که پژوهش‌های حوزه انسانی به دلیل وقوع شگفتی‌سازهای بی‌شمار، لزوماً نباید از نظر پایایی نتایج مورد تأکید قرار بگیرد. با این وجود، پایایی پرسش‌نامه به روش آلفای کرونباخ تأیید شد که در بخش مربوطه، نتیجه آزمون ذکر شده است.

جدول ۱. پایایی پرسش‌نامه آلفای کرونباخ

حوزه تهدیدزا	اقتصادی	سیاسی	نظامی - امنیتی	محیط زیست	فرهنگی
نتیجه آزمون	۰/۸	۰/۸۵	۰/۹	۰/۹۷	۰/۸۶
	قبول	قبول	قبول	قبول	قبول

منبع: نویسندگان

یافته‌های پژوهش

در دهه جدید از عمر نظام جمهوری اسلامی، ایران باید علل و عوامل دستاوردهای خود را بار دیگر واکاوی کند و گام دوم انقلاب با تکیه بر همان اصول پیموده شود. رهبر معظم انقلاب در آبان ۱۳۹۴ در دیدار وزیر امور خارجه، سفیران و مسئولان نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور فرمودند: «اجرای سیاست خارجی انقلابی در عمل، با برخی غفلت‌ها، کم‌کاری‌ها، ناهوشمندی‌ها و موانع خارجی همراه بوده است؛ اما جایگاه عزت‌مند فعلی کشور، مدیون همین سیاست‌های حکیمانه است و اگر به این اصول عمل نکرده

بودیم، خدا می‌داند در داخل مرزها، با چه مشکلات و ضربات عجیبی، دست به گریبان می‌شدیم» (بیانات مقام معظم رهبری، مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۰).

برای مقابله با تهدیدات احصاشده، راه‌کارها باید قابلیت یکپارچه‌سازی در چارچوب سیاست‌های کلی نظام را داشته باشند. با مرور مواضع مقام معظم رهبری در حوزه سیاست خارجی، مقوله اصلی داخلی عبارت است از تأکید بر نقاط قوت و مقوله اصلی خارجی عبارت است از تهدید. به بیان دیگر رویکرد راهبردی ایشان در روابط خارجی کشور، استفاده از نقاط قوت داخلی برای مهار تهدیدهای خارجی است.

برای پاسخ به سؤال اصلی (اولویت‌بندی مهم‌ترین پویش‌های تهدیدزای متوجه جمهوری اسلامی ایران از طریق قفقاز جنوبی کدامند؟)، از آزمون فریدمن بر روی نتایج پیمایش استفاده شده است. آزمون فریدمن برای مقایسه چند گروه وابسته که حداقل در سطح رتبه‌ای اندازه‌گیری می‌شوند، مورد استفاده قرار می‌گیرد تا رتبه‌بندی نهایی به‌دست‌آید. نتایج آزمون فریدمن روی پرسش‌نامه‌ها که تهدیدات را به ترتیب اهمیت مشخص کرده‌اند (۴۳ پرسش‌نامه) و رتبه‌بندی حاصله، از مهم‌ترین حوزه‌های تهدیدزای قفقاز جنوبی به‌شرح زیر است:

جدول ۲. رتبه‌بندی بخش‌های تهدیدزای قفقاز جنوبی بر اساس آزمون فریدمن

بخش تهدیدزا	اقتصادی	سیاسی	نظامی - امنیتی	محیط زیست	فرهنگی
نتیجه آزمون	۳/۰۵	۲/۱۲۵	۳/۳۷۵	۲/۴۲۵	۲/۴۷۵
رتبه	۲	۵	۱	۴	۳

منبع: نویسندگان

تحلیل اقدامات اساسی برای مهار پویش‌های تهدیدزای قفقاز جنوبی:

۱- اتکا به زیرساخت‌ها و توان فنی - مهندسی بومی - جهادی

جمهوری اسلامی ایران جایگاه ترانزیتی بی‌بدیلی در منطقه دارد که وجود شبکه گسترده حمل‌ونقل و ناوگان کارآمد و مناسب در مقایسه با کشورهای همجوار، ویژگی آن‌را دوچندان می‌کند. ایران به‌عنوان پل ارتباطی میان کشورهای محصور در خشکی آسیای میانه، قفقاز و افغانستان به آب‌های آزاد به‌شمار می‌رود. ازسوی دیگر قرارگرفتن در مسیر ترانزیتی شرق - غرب، وجود مرز مشترک خشکی و دریایی با ۱۵ کشور منطقه، قرارگرفتن در مرکزیت جغرافیایی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو، گستردگی بازار سرمایه و وجود منابع عظیم زیرزمینی را می‌توان از ویژگی‌های ایران برشمرد. ظرفیت حمل‌ونقل و ترانزیت کالا از بنادر ایران در سال بالغ بر ۲۴ میلیون تن است (پایگاه خبری



مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، ۱۳۹۱). دیگر مزیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران عبارت است از کوتاه‌بودن فاصله از شمال به جنوب در مقایسه با مسیرهای ترانزیتی شرقی و غربی، نزدیک‌بودن به بندر مرکزی دبی به‌عنوان مبدأ صادرات و واردات کانال‌های کشورهای همسایه، نزدیک‌بودن به بازارهای پرمصرف کشورهای آسیای مرکزی و وجود کشورهای محصور در خشکی در اطراف ایران که مجبور هستند کالاهای خود را از مسیر ایران حمل کنند (واحد تحلیل کارگزاری ساوآفرین، ۱۳۹۴).

جمهوری اسلامی ایران با توجه به دراختیارداشتن خطوط ارتباطی قابل توجه، بخصوص در حمل‌ونقل جاده‌ای می‌تواند حضور پررنگی در مسیر راه‌روهای فرامرزی چینی یا اروپایی داشته باشد. شبکه ریلی ایران برخلاف شبکه ریلی در قفقاز از لحاظ استانداردهای فنی، قابل تطبیق با شبکه ریلی ترکیه است و از این‌رو می‌توان چشم‌انداز مناسبی برای گسترش اتصالات ریلی در منطقه ترسیم کرد. طبق آمار رسمی، مجموع راه‌های شریانی ایران شامل آزادراه‌ها و بزرگراه‌ها در سال ۱۳۹۴، بیش از ۳۴۵۰۰ کیلومتر و راه‌های ترانزیتی، بیش از ۲۴۴۰۰ کیلومتر است. (سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، ۱۳۹۵). طول خطوط اصلی راه‌آهن ایران در سال ۱۳۹۳، بیش از ۱۰۳۰۰ کیلومتر بود (سازمان راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴). در این میان بنادر شهید رجایی و امام خمینی (ره) در جنوب، بندر امیرآباد و انزلی در شمال و در مسیر کریدور ترانزیتی شمال - جنوب، قابلیت‌های چشم‌گیر ترانزیتی بندر امام خمینی (ره) در حمل‌ونقل ترانزیتی به کشورهای عراق، سوریه و ترکیه و برقراری ارتباط ترانزیتی کشورهای آسیای میانه و افغانستان از طریق محور ترانزیتی بندر چابهار از اهمیت زیادی برخوردار هستند (پایگاه خبری مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، ۱۳۹۱).

هم‌چنین ایران در حوزه فنی و مهندسی، توان بالایی در اجرای پروژه‌های کوچک تا مگا پروژه در حوزه‌های نفت، گاز، راه‌سازی، عمران و شهرسازی دارد. برای نمونه قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا (صلی‌الله‌وآله‌وسلم) ظرفیت‌های عظیمی را در بخش سازه‌ها و تأسیسات، سد، راه و باند، سازه‌های ساحلی، فراساحلی و شناوری، تمام بخش‌های مرتبط با انرژی، خطوط انتقال و مخبرات و فناوری اطلاعات دارد (وبگاه قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا (صلی‌الله‌وآله‌وسلم)، ۱۳۹۷) که می‌تواند در رفع نیازهای فنی و مهندسی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به کار آمده و حضور فنی - مهندسی دولت‌های متخاصم مانند رژیم صهیونیستی را کمرنگ سازد. در مجموع مهم‌ترین نقاط قوت فنی و زیرساختی ایران که می‌تواند به‌عنوان پشتوانه‌ای برای تقویت حضور و مهار تهدیدها عمل کند عبارت هستند از: توان عظیم فنی - مهندسی داخلی در حوزه نفت، گاز، کشاورزی، سد و راه‌سازی، موقعیت

جغرافیایی مناسب و کوتاه‌شدن مسیرهای مختلف ترانزیت از طریق عبور از ایران، حمل‌ونقل چندوجهی (جاده، ریل و دریا)، اتصال شمال ایران به جنوب از طریق خط‌آهن، بر خورداری از ناوگان عظیم حمل‌ونقل دریایی (وجود بزرگ‌ترین ناوگان دریایی در غرب آسیا)، اتصال شمال ایران به جنوب از طریق جاده، نرخ پایین مالیات، پایین‌بودن خطرات امنیتی در داخل ایران در مقایسه با همسایگان غربی و شرقی، قابلیت تردد انواع کامیون‌ها تحت هر استاندارد در جاده‌های ایران (بدون داشتن استانداردهای روز اروپا) و وجود بندر چابهار به‌عنوان تنها بندر اقیانوسی در جنوب غرب آسیا (واحد تحلیل کارگزاری ساواآفرین، ۱۳۹۴).

۲- عبور از غرب، افق‌گشایی و ارتقای سطح روابط با قدرت‌های آسیایی

یکی از دو بنیان طرح‌ریزی راهبردی امریکا علیه ایران، ایجاد ژئوپلیتیک دسترسی غیرایرانی است. بیرون‌کردن ایران از پروژه‌های فرامرزی راهبردی از جمله راهروهای بین‌المللی حمل‌ونقل، یکی از تهدیدهای اصلی امنیتی ایران است که پیامدهایی فراتر از همکاری‌های اقتصادی دوجانبه دارد. دولت‌های این منطقه از یک‌سو دولت‌هایی ضعیف با پایه‌های لرزان مشروعیت بوده که فرآیند ملت‌سازی در آن‌ها چالش‌های فراوانی دارد و از سوی دیگر، موقعیت جغرافیایی نامناسب و بدون دسترسی، صنایع فرسوده، کشاورزی سنتی و نیازهای فنی و نظامی آن‌ها، ظرفیت‌های موجود در روابطشان با ایران یا دیگر کشورها را تعریف می‌کند. نیاز بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به پیوند با مناطق دیگر و دسترسی به آب‌های آزاد، نقش‌آفرینی ایران را در این زمینه تعریف می‌کند؛ اما این نقش‌آفرینی در شرایط فعلی مقدور نیست و فشار امریکا از یک‌سو و بی‌میلی روسیه از سوی دیگر، مانع از فعالیت مؤثر ایران در این حوزه شده است، در نتیجه فرسایش و تخلیه ژئوپلیتیکی ایران رخ داده است.

دومین بنیان طرح‌ریزی راهبردی علیه ایران، گرفتن اهرم‌های قدرت ایران در حوزه راهبردی و تعیین‌کننده انرژی است. اتحادیه اروپا در سند جامع انرژی خود از امنیت انرژی به‌عنوان یکی از حوزه‌های بسیار کلیدی امنیتی نام برده و به صراحت از ایران و حوزه خزر به‌عنوان یکی از پایه‌های راهرو چهارم گازی نام برده است. به‌طور کلی سه حوزه راهبردی مورد توجه امریکا در تراز جهانی عبارت است از مدیریت تحولات حوزه انرژی، تحولات حوزه ارتباطات و امور پولی و مالی در سطح کلان. امریکا با در اختیار گرفتن دو پایه راهبردی ژئوپلیتیک دسترسی و انتقال فرامرزی انرژی، ایران را منزوی ساخته و ظرفیت نقش‌آفرینی غیرنظامی ایران را در موضوعات مهم منطقه کاهش داده است. هزینه اقدام علیه ایران با تحقق این دو بنیان راهبردی به‌شدت کاهش یافته و هم‌چنان کاهش خواهد یافت.



پاسخ راهبردی ایران به طرح‌ریزی راهبردی امریکا و تهدیدهای برخاسته از آن عبارت است از اصلاح سیاست‌های کلان نظام، قطع امید از امریکا و اروپا و ارتقای سطح روابط با قدرت‌های آسیایی. این مسأله می‌تواند حمایت لازم را برای ایجاد ژئوپلیتیک دسترسی ایرانی و تقویت وابستگی متقابل کشورها به ایران جهت تعامل‌های شمالی - جنوبی و شرقی - غربی فراهم آورد. با کسب حمایت قدرت‌های آسیایی، ایران می‌تواند کلیه ارتباطات، حمل‌ونقل، دسترسی به بازارها، اجاره بلندمدت جزیره و بنادر و دیگر علائق جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز را تأمین کرده و قابلیت مانور این کشورها علیه ایران به‌ویژه در چارچوب طرح‌ریزی راهبردی امریکا را کاهش دهد.

درمجموع با ارتقای سطح روابط ایران با قدرت‌های آسیایی به‌ویژه روسیه و چین، بنیان‌های طرح‌ریزی راهبردی امریکا علیه ایران فروپاشیده و ایران و کسب حمایت لازم از سوی قدرت‌های آسیایی به‌ویژه روسیه می‌تواند برنامه‌ریزی‌های واقع‌گرایانه‌ای را برای مهار تهدیدهای موجود و فعالیت در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی انجام دهد تا علاوه بر پشتیبانی از امنیت ملی، جایگاه آینده ایران در منطقه و جهان را نیز زیر ارتقا بخشد.

۳- دیپلماسی دفاعی و فعال‌سازی ظرفیت‌های همکاری دفاعی

«دیپلماسی دفاعی» به‌معنای مذاکره و گفت‌وگو برای ایجاد روابط بین ارتش‌ها از سوی دیپلمات‌های نظامی بوده که تأثیرگذاری است بر محیطی که نیروی نظامی در آن فعالیت می‌کند (عسگری و دیگران، ۱۳۹۲: ۲). در دیپلماسی دفاعی، فعالیت‌هایی ازجمله گفت‌وگوهای امنیتی و راهبردی، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی، دفاعی و نظایر آن از سوی ارتش‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد (شی، ۲۰۰۵: ۳۳). پژوهش جامعی که در زمینه دیپلماسی دفاعی ایران انجام شده است، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران هم‌اکنون روابط دیپلماتیک دفاعی خود را با ۴۳ کشور برقرار کرده است. در این پژوهش بین شاخص‌های موجود، شاخصه‌های تبادل استاد، همکاری آموزشی در چارچوب دیپلماسی خلع سلاح، برگزاری رزمایش و تمرین مشترک چندجانبه، ایجاد پایگاه نظامی و پیمان دفاعی مشترک، فاقد هرگونه عملکردی در وضعیت موجود است که فعالیت در این زمینه‌ها نزدیک به صفر ارزیابی شده است (مینایی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۵)؛ بنابراین تقویت دیپلماسی دفاعی در کنار گسترش همکاری‌های دفاعی و امنیتی در زمینه‌های اخیر، مهم ارزیابی شده و ظرفیت‌های خالی و استفاده‌نشده داخلی است که باید مورد توجه و اهتمام ویژه دولت قرار گیرد.

۴- بهره‌برداری از مزیت برتر سیاسی و ارتباط مناسب با دولت‌های آسیای مرکزی و قفقاز

ایران از بازیگرانی است که روابط متعادلی با تمام بازیگران آسیای مرکزی و قفقاز دارد. برای نمونه روسیه روابط تیره‌ای با گرجستان و ترکیه نیز روابط سردی با ارمنستان دارد. ترتیبات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز را می‌توان یک نمونه موفق از سیاستی در جهت ثبات و صلح توصیف کرده که با تمامی کشورهای قفقاز جنوبی (ارمنستان، گرجستان و آذربایجان) و کشورهای همسایه قفقاز جنوبی (روسیه و ترکیه) بدون هیچ‌گونه مناقشه‌ای، روابط مناسبی دارد. در آسیای مرکزی نیز ایران روابط سازنده‌ای با تمام دولت‌ها دارد؛ هرچند این روابط پرفراز و نشیب بوده است و به‌طور خاص با تاجیکستان دچار سردی روابط شده است. جایگاه ایران در حل جنگ داخلی تاجیکستان نمونه‌ای از همکاری سازنده و ظرفیت ایران برای نقش‌آفرینی در منطقه محسوب می‌شود. بسیاری از مذاکرات میان دولت تاجیکستان و مخالفان در ایران برگزار شده و شخص هاشمی رفسنجانی در پیش‌برد این مذاکرات نقش کلیدی داشت. در سال ۱۹۹۵ استاد سعید عبدالله نوری رئیس حزب نهضت اسلامی تاجیکستان و امام‌علی رحمان رئیس‌جمهور تاجیکستان در تهران با یکدیگر دیدار کردند که گام مهمی برای برقراری صلح در کشور و پایان این جنگ محسوب می‌شد (بی‌بی‌سی، ژانویه ۲۰۱۷)؛ بنابراین ارتباط و تعامل سازنده ایران با هشت کشور آسیای مرکزی و قفقاز نقطه قوت و توانمندی کم‌نظیری است که ظرفیت‌سازی‌های قابل توجهی را در زمینه‌های مختلف از جمله میانجی‌گری، مدیریت بحران، ایجاد ترتیبات مشترک، رژیم‌های اقتصادی و سیاسی و زیرساخت‌های فرامرزی فراهم آورده است.

۵- اتکا بر پیوند تمدنی ایران با دو منطقه، تربیت نیروهای انقلابی و فعالیت فرهنگی

در طول چند دهه گذشته، دیپلماسی فرهنگی ایران در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی دگرگونی‌های بسیاری به خود دیده است. رویکردهای این دیپلماسی را می‌توان با سوگیری‌های ایدئولوژیک و اسلام‌محور، فرهنگی‌محور؛ با تأکید بر مشترکات فرهنگی، زبانی و تاریخی و سرانجام، عمل‌گرایانه با حفظ ملاحظات سیاسی دسته‌بندی کرد. در اوایل دهه ۱۹۹۰، از نگاه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، آن‌چه بنیادگرایی اسلامی با حمایت ایران خوانده می‌شد در سراسر منطقه به‌عنوان جدی‌ترین تهدید برای صلح و ثبات منطقه‌ای تلقی می‌شد. شوروی نیز در اوایل انقلاب اسلامی از شعارهای انقلابی



احساس نگرانی می‌کرد. به‌مرور و به‌ویژه در جریان جنگ داخلی تاجیکستان، ایران موفقیت‌هایی در طرح‌ریزی یک تصویر مثبت‌تر داشت؛ به‌گونه‌ای که سیاست‌های عمل‌گرا، محتاط و میانه‌روتر را دنبال کرد. با تمام این توصیف‌ها در مجموع، نوع اسلام سیاسی ایران (که از نگاه آنان رادیکال است) و سیستم حکومتی ایران برای کشورهای به‌شدت سکولار و ملت‌های سنی این دو منطقه خوشایند نیست و در برهه‌هایی مایه نگرانی آن‌ها نسبت به صدور اسلام‌گرایی از سوی ایران شده است. نقطه قوت ایران، امکان تأکید بر درون‌مایه فرهنگی و تمدنی و چهره مثبتی از فرهنگ و تمدن اسلامی در این کشورها - که از بنیادگرایی اسلامی رنج می‌برند - است.

۶- برطرف کردن نقاط ضعف داخلی با استفاده از فرصت‌های موجود در دو منطقه

اگر کشورهای شمالی ایران شامل آسیای مرکزی، قفقاز و حتی افغانستان و روسیه بخواهند با خاورمیانه و خلیج فارس ارتباطی مستقیم جغرافیایی برقرار کنند، چنین ارتباطی تنها از راه ایران واقعیت‌پذیر است. این وضعیت جغرافیایی بی‌همتا بوده و امریکا را در تعریف نظام جدید ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه، با چالش بزرگی روبه‌رو کرده است تا آنجا که بندر چابهار را از تحریم‌ها معاف کرد. از آنجا که کشورهای بازمانده از اتحاد شوروی از دریاهای آزاد بهره‌ای نبرده‌اند و در زمره کشورهای محاصره‌شده در خشکی به حساب می‌آیند، جغرافیای ایران فرصت‌های بی‌بدیلی برای این کشورها و خود ایران فراهم آورده است که باید از این نعمت خدادادی به‌خوبی بهره برد. نزدیک به ده همسایه دور از دریای آزاد، این امکان را برای ایران فراهم کرده است که شماری از بنادر و جزایر استفاده‌نشده ایران را در اختیار این کشورها قرار داده و عملاً ابتکار عمل را در شکل‌دهی به نقشه ژئواکونومیک منطقه غرب آسیا در دست بگیرد.

خلیج فارس در جنوب کشور، کشورهای اصلی تولیدکننده نفت جهان را در خود جای داده که به‌عنوان قلب انرژی جهان محسوب می‌شود. ارتباط کشورهای آسیای میانه با خلیج فارس و هم‌چنین برقراری رابطه تجاری با دیگر کشورهای جهان و آب‌های آزاد بین‌المللی به‌منظور توسعه تجارت ایران، بسیار مقرون‌به‌صرفه است؛ به شکلی که بسیاری از این کشورها به دنبال آن هستند تا چنین روابطی را از طریق ایران برقرار کنند.

راه شمال شرق برای ایران نیز به‌عنوان یک فرصت متقابل مطرح است که عبارت است از: (۱) اتصال به جاده ابریشم جدید، (۲) دسترسی زمینی به شرق دور و آسیای جنوب شرقی، (۳) دسترسی به چین بدون عبور از رقیب او یعنی هند و (۴) استفاده از بازارهای آسیای مرکزی (حافظنیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۶). مشارکت ایران در طرح‌های راهبردی



و بسیار مهم تراسیکا، جاده ابریشم چینی و راهرو گاز جنوب نیز می‌تواند در اولویت قرار گیرد.

تلاش برای «منطقه‌ای کردن اقتصاد ایران» پیوند تنگاتنگی با ارتقای امنیت ملی ایران دارد؛ زیرا ایران با اجرایی کردن چنین برنامه‌هایی و تبدیل موقعیت جغرافیایی خود به موقعیت ژئواکونومیکی، در جایگاهی قرار خواهد گرفت که دولت‌های همسایه، جرأت، توان و منافع همراهی با دولت‌های متخاصم را نخواهند داشت و ضریب امنیت ملی افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، قدرت‌های جهانی به‌ویژه می‌کوشند با بهره‌برداری از پاره‌ای از سیاست‌های بالادستی ایران، جلوی تبدیل ایران به قدرتی ژئواکونومیکی را بگیرند تا با سیاست محاصره و انزوا بتوانند امنیت ملی ایران را به خطر بیندازند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

راه کارهای مهار تهدیدهای قفقاز جنوبی

از آنجاکه تهدیدهای اولویت‌دار علیه امنیت ملی ایران عبارتند از «تخلیه ژئوپلیتیکی در حوزه انرژی و حمل‌ونقل، فعالیت‌های رژیم صهیونیستی و دیگر دولت‌های متخاصم غرب آسیا در منطقه (افزایش همکاری‌های فنی و تسلیحاتی، تفاهم‌نامه‌های اقتصادی و برنامه‌های آموزشی)، روی گرداندن وفاداری اقلیت‌های قومی، مذهبی، فرقه‌ای و زبانی ایرانی از نظام ایران، گسترش دیدگاه‌های مرکزگریز و تجزیه‌طلب میان نسل جوان، همکاری و مشارکت امنیتی و نظامی با ناتو و امریکا، در اختیار گذاشتن پایگاه‌های نظامی، انتقال نیرو و تسلیحات، برنامه‌های آموزشی و مانورهای مشترک، استقرار ایستگاه‌های استراق سمع و سیستم‌های اطلاعاتی، فعالیت‌های جاسوسی و سرانجام تثبیت واحدهای جینینی و مناطق خودمختار، اختلافات ارضی، جابه‌جایی و تبادل سرزمینی و تغییر مرزها مانند طرح گوبل». راه کارها نیز برای مهار بنیادین این تهدیدها به تفکیک هر تهدید در قفقاز جنوبی برون‌آوری و ارائه شده است.



جدول ۳. راه‌کارهای مهار تهدیدهای قفقاز جنوبی

اولویت تهدید	عنوان تهدید	راه‌کار مهار تهدید
۱	فعالیت‌های رژیم صهیونیستی و دیگر دولت‌های متخاصم غرب آسیا در منطقه (افزایش همکاری‌های فنی و تسلیحاتی، تفاهم‌نامه‌های اقتصادی، برنامه‌های آموزشی)	<ul style="list-style-type: none"> - برپایی دفتر بررسی نیازهای فنی - مهندسی کشورهای قفقاز جنوبی - استفاده از توان فنی - مهندسی بومی و جهادی برای رفع نیازهای فنی - مهندسی کشورها - گسترش همکاری‌های فنی و نظامی، تأمین نیازهای فنی و تسلیحاتی برای تضعیف نقش رژیم صهیونیستی، تفاهم‌نامه‌های اقتصادی و برنامه‌های آموزشی
۲	استقرار ایستگاه‌های استراق سمع و سیستم‌های اطلاعاتی، فعالیت‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی	<ul style="list-style-type: none"> - رصد ترکیب خریدهای تسلیحاتی کشورها به‌ویژه جمهوری آذربایجان - حساسیت به تناسب یا عدم تناسب خریدهای تسلیحاتی با راهبرد نظامی و تهدیدهای متعارف هر کشور در قفقاز - واکنش متقابل در تأسیس مراکز اطلاعاتی، شنود و عملیات نظامی متقابل
۳	گسترش دیدگاه‌های مرکز‌گریز و تجزیه‌طلب، روی‌گرداندن وفاداری اقلیت‌های قومی، مذهبی، فرقه‌ای و زبانی ایرانی از نظام ایران	<ul style="list-style-type: none"> - فعالیت‌های فرهنگی به‌عنوان اهرم اعمال قدرت بر کشورها - فعالیت‌های مذهبی و نشر اندیشه‌های انقلابی در کشورهایی که منبع تهدید قومی و زبانی هستند. - گسترش فعالیت‌های فرهنگی ایجابی (با تکیه بر عناصر مذهبی و تمدنی به‌عنوان بدیل قوم‌گرایی یا سلفی‌گرایی) در کشورهایی که همکاری سازنده دارند.
۴	همکاری و مشارکت امنیتی و نظامی با ناتو و امریکا، دراختیار گذاشتن پایگاه‌های نظامی، انتقال نیرو و تسلیحات،	<ul style="list-style-type: none"> - عضویت در پیمان‌های آسیایی و جلب حمایت قدرت‌های آسیایی برای زمینه‌سازی همکاری‌های نظامی ایران در منطقه - عضویت یا مشارکت مؤثر در سازمان پیمان امنیت جمعی - تقویت دیپلماسی دفاعی، گسترش همکاری‌های دفاعی و فنی متقابل، صادرات تسلیحات، برنامه‌های آموزشی.

اولویت تهدید	عنوان تهدید	راه کار مهار تهدید
	برنامه‌های آموزشی و مانورهای مشترک	
۵	فرسایش و تخلیه ژئوپلیتیکی ایران در حوزه انرژی و ترانزیت (خارج کردن ایران از طرح‌های زیرساختی فرامرزی)	<ul style="list-style-type: none"> - اولویت دادن به راهروهای فرامرزی چین و روسیه برای مقابله با تخلیه ژئوپلیتیکی - ظرفیت سازی بازیگری در قفقاز جنوبی به وسیله ارتقای سطح روابط با قدرت‌های آسیایی - عضویت در سازمان‌های آسیایی (همکاری شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، عضویت یا مشارکت مؤثر در سازمان پیمان امنیت جمعی) - افق‌گشایی در سیاست خارجی با اتخاذ سیاست کلی ایجاد موازنه و نگاه راهبردی به شرق - پیگیری و فعال‌سازی «ژئوپلیتیک دسترسی» در چارچوب ائتلاف‌های سطح بالا
۶	برنامه‌های خبری، فرهنگی و اجتماعی تفرقه‌آمیز، نفوذ افکار و اندیشه‌های جدایی طلبانه، ایجاد شکاف زبانی، هویتی و قومی	<ul style="list-style-type: none"> - اعطای بورس تحصیلی دانشگاهی و حوزوی و تعلیم و تربیت نیروهای انقلابی جذب شده از منطقه قفقاز جنوبی - دعوت از چهره‌های سرشناس دینی، علمی و فرهنگی و آشناسازی با تعالیم اسلامی و آموزه‌های انقلابی از منطقه
۷	تثبیت واحدهای جنینی و مناطق خودمختار، اختلافات ارضی، جابه‌جایی و تبادل سرزمینی و تغییر مرزها مانند طرح گوبل	<ul style="list-style-type: none"> - همکاری مؤثر ایران با اتحادیه اروپا و به ویژه گروه مینسک برای میانجی‌گری - پیگیری مؤثر طرح ۳+۳ با مشارکت ایران، ترکیه و روسیه و رد هرگونه اعمال نفوذ دولتی‌هایی که در این ترکیب نیستند مانند امریکا - تضعیف طرح معروف به ائتلاف قفقاز که از سوی ترکیه برای درگیرکردن امریکا در مناقشات منطقه قفقاز ارائه شده است.

شاخص‌های راهبردی و اهمیت قفقاز جنوبی در سیاست بین‌المللی و از نگاه ایرانی به صورت زیر تبیین شده است.



شاخص‌های
ژئوپلیتیکی

- حضور نظامی خارجی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی
- پهنه راهبردی برای مهار و محاصره روسیه و ایران

شاخص‌های
ژئواکونومیکی

- منابع و مسیرهای انتقال حامل‌های انرژی
- اتصال منطقه به آسیای میانه و منابع انرژی و مسیرهای ترانزیت آن

شکل ۱. شاخص‌های حیاتی و اهمیت راهبردی قفقاز جنوبی از نگاه ایران

منبع: نگارندگان مقاله

هم‌چنین تحلیل داده‌های آماری، سلسله‌مراتب پوش‌های تهدیدزای متوجه ایران در قفقاز جنوبی را به‌ترتیب اهمیت مشخص کرد که هفت تهدید اصلی با بیشترین ضریب اهمیت به‌شرح زیر است:

جدول ۴. هفت پوش اصلی تهدیدزا در قفقاز جنوبی

نتیجه آزمون	پوش تهدیدزا
۴/۱	فعالیت‌های رژیم صهیونیستی و دیگر دولت‌های متخاصم غرب آسیا در منطقه (افزایش همکاری‌های فنی و تسلیحاتی، تفاهم‌نامه‌های اقتصادی و برنامه‌های آموزشی)، ایستگاه‌های استراق سمع و سیستم‌های اطلاعاتی، فعالیت‌های جاسوسی
۳/۶	گسترش دیدگاه‌های مرکز‌گریز و تجزیه‌طلب، روند روی‌گرداندن وفاداری اقلیت‌های قومی، مذهبی، فرقه‌ای و زبانی ایرانی از نظام ایران
۳/۵	همکاری و مشارکت امنیتی و نظامی با ناتو و امریکا، دراختیار گذاشتن پایگاه‌های نظامی، انتقال نیرو و تسلیحات، برنامه‌های آموزشی و مانورهای مشترک
۳/۵	توسعه خط لوله‌های بین‌المللی پیرامون کشور بدون عبور از ایران (تخلیه

نتیجه آزمون	پویش تهدیدزا
	ژئوپلیتیکی ایران در حوزه انرژی
۳/۵	برنامه‌های خبری، فرهنگی و اجتماعی تفرقه‌آمیز، نفوذ افکار و اندیشه‌های جدایی‌طلبانه، ایجاد شکاف زبانی، هویتی و قومی
۳/۵	آلودگی شدید حوزه آبی کورا - ارس و تهدید امنیت انسانی، غذایی و زیست‌بوم
۲/۷	تثبیت واحدهای جنینی و مناطق خودمختار، جابه‌جایی و تبادل سرزمینی و تغییر مرزها

براساس تحلیل به‌عمل‌آمده از اقدامات اساسی برای مهار پویش‌های تهدیدزای قفقاز جنوبی که در یافته‌های تحقیق به‌طور مشروح بیان شده است، مؤلفه‌هایی که در برابر تهدیدات قفقاز جنوبی بر امنیت ملی ایران مؤثر هستند، شناسایی و به‌صورت زیر برون‌آوری شده است.

جدول ۵. برون‌آوری مؤلفه‌ها

ردیف	عواملی که در برابر تهدیدات قفقاز جنوبی بر امنیت ملی ایران مؤثر هستند
۱	رقابت شدید قدرت‌های بزرگ (امریکا، چین، روسیه، اتحادیه اروپا و ژاپن) برای ایجاد راهروهای فراملی در آسیا
۲	نیازهای قابل توجه همه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در بخش آموزش انتظامی، نظامی، مبارزه با مواد مخدر و رهایی گروگان
۳	فعالیت‌های رژیم صهیونیستی و دیگر دولت‌های متخاصم غرب آسیا در منطقه (همکاری‌های فنی و تسلیحاتی، تفاهم‌نامه‌های اقتصادی و برنامه‌های آموزشی)
۴	میراث و نفوذ تمدنی، فرهنگی و اجتماعی ایران در کشورهایی که از بنیادگرایی رنج می‌برند
۵	محدودیت‌های مالی، بانکی و بازرگانی در روابط تجاری ایران
۶	واحدها و مناطق خودمختار، جابه‌جایی و تبادل سرزمینی و تغییر مرزها
۷	توسعه زیرساخت‌ها و خط لوله‌های بین‌المللی بدون عبور از ایران



ردیف	عواملی که در برابر تهدیدات قفقاز جنوبی بر امنیت ملی ایران مؤثر هستند
۸	مواضع قدرت‌های عضو بریکس در مورد مسیر ایرانی ترانزیت بین‌المللی
۹	دیدگاه‌های تجزیه‌طلبانه و روی‌گرداندن وفاداری جوانان، اقلیت‌های قومی، مذهبی، فرقه‌ای و زبانی ایرانی از نظام ایران
۱۰	محصوربودن کشورهای آسیای مرکزی در خشکی و عدم دسترسی بیشتر کشورهای قفقاز به آب‌های آزاد
۱۱	مشارکت امنیتی و نظامی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با ناتو، در اختیار گذاشتن پایگاه‌های نظامی، برنامه‌های آموزشی و مانورهای مشترک
۱۲	تنش‌های تجاری و ژئوپلیتیکی بنیادین قدرت‌های جهانی با آمریکا (تنش در روابط چین - آمریکا و روسیه - آمریکا)
۱۳	مراکز آموزشی و سازمان‌دهی افراط‌گرایی، وهابی‌گری، صوفی‌گری و تروریسم در آسیای مرکزی و قفقاز
۱۴	توان فنی - مهندسی بومی ایران در حوزه نفت، گاز و راه‌سازی
۱۵	اختلاف‌نظرهای داخلی در ایران بر سر سطح و چگونگی روابط با قدرت‌های آسیایی
۱۶	زیرساخت‌های ترانزیتی و ناوگان حمل‌ونقل استاندارد و چندحالتی (آبی، خاکی و ریلی) در ایران
۱۷	روابط سازنده جمهوری اسلامی ایران با تمام دولت‌های آسیای مرکزی و قفقاز برخلاف دیگر بازیگران خارجی
۱۸	نفوذ فرهنگی و اسلامی ایران در مناطق شمالی و توان‌مندی‌های رسانه‌ای در نشر فرهنگ اسلامی - ایرانی
۱۹	روابط وزارت امور خارجه با دانشگاه‌های کشور و میزان بهره‌برداری از ظرفیت‌های دانشگاهی توسط نهادهای مسئول
۲۰	دیپلماسی دفاعی و روابط نظامی/امنیتی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز



ردیف	عواملی که در برابر تهدیدات قفقاز جنوبی بر امنیت ملی ایران مؤثر هستند
۲۱	توانایی مراکز پژوهشی و مطالعاتی جمهوری اسلامی ایران در بررسی نیازهای فنی، دفاعی و اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز
۲۲	میزان هماهنگی بین نهادهای درگیر در روابط خارجی ایران و میزان هماهنگی اقدامات این نهادها
۲۳	توان تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران بر موازنه راهبردی بین چین، روسیه و امریکا
۲۴	میزان توجه به سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و فرهنگی در روابط سیاسی دوجانبه ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز

منابع

فارسی

- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، قابل دسترسی در <http://farsi.khamenei.ir>
- بوزان، باری؛ ویور، الی (۱۳۸۸)، *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه مهدی قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۸۹)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه انتشارت پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری؛ دوویدل، پاپ؛ ویور، اولی (۱۳۹۲)، *مناطق و قدرت‌ها و چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱)، *مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران جلد اول*، رهیافت‌ها و راهبردها، تهران: فرهنگ گفتمان.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ ولی‌قلی‌زاده، علی؛ احمدی‌پور، زهرا (۱۳۸۲)، *بررسی و تحلیل راهبردی بنیان‌های جغرافیایی بحران‌های ژئوپلیتیکی (با تأکید بر بحران ژئوپلیتیکی قره‌باغ)*، سیاست دفاعی، سال ۲۱، بهار ۱۳۸۲، شماره ۸۲، صص ۱۵۰-۱۱۱.
- سازمند، بهاره؛ کاویانی‌فر، پیمان (۱۳۹۶)، *گسترش و اتصال زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی اتحادیه اروپا به حوزه خزر و دریای سیاه: ابعاد، فرصت‌ها و تهدیدها*، دوفصل‌نامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۰۰-۸۵.
- کاظم‌زاده، حامد (۱۳۸۷)، *مناقشات قومی در قفقاز و راه‌کارهایی برای سیاست قفقازی ایران*، ماهنامه ایراس، شماره ۲۱، مک‌کین‌لای، رابرت؛ لیتل، ریچارد (۱۳۸۰)، *امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مؤمنی، مجیدرضا؛ رحیمی، امید (۱۳۹۶)، *تقابل ایران و رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر گسترش روابط سیاسی - امنیتی رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان*، فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صفحه ۴۳۱-۴۱۵.



وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۸۱)، حضور نظامی آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز: واکنش روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۷، صص ۸۹-۱۰۲

وزارت امور خارجه (۱۳۹۲)، اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

ایراس (فروردین ۱۳۹۵)، امنیت انرژی اروپا: نقش ایران، قابل دسترسی در:

[http://www.iras.ir/fa/doc/article/\(1036\)\(تاریخ دسترسی: ۰۴ مرداد ۱۳۹۸\)](http://www.iras.ir/fa/doc/article/(1036)(تاریخ دسترسی: ۰۴ مرداد ۱۳۹۸))

ایراس (آذر ۱۳۹۶)، جایگاه ایران در تحولات آتی قفقاز در افق ۲۰۲۰ اتحادیه اروپا، قابل دسترسی در:

<http://www.iras.ir/fa/doc/note/3465> (تاریخ دسترسی: ۱ اردیبهشت ۱۳۹۸)

مؤسسه مطالعات ایران و روسیه (فروردین ۱۳۹۷)، چرا تنش‌ها در قفقاز جنوبی حل نشده باقی مانده است؟، قابل دسترسی در:

<http://www.iras.ir/fa/doc/note/3126/> (تاریخ دسترسی: ۱ اردیبهشت ۱۳۹۸)

یوریکا (آبان ۱۳۹۷)، خط و نشان در مسکو، بارکشی از قفقاز، قابل دسترسی در

<https://www.eurica.ir/130-1-2/> (تاریخ دسترسی: ۱ اردیبهشت ۱۳۹۸)

انگلیسی

Buzan, B. (2003). Regional security complex theory in the post-Cold War world. In Theories of new regionalism (pp. 140-159). Palgrave Macmillan, London.

Islam, D., T. Zunder, R. Jackson and N. Nesterova (2013), "The Potential of Alternative Rail Freight Transport Corridors between Central Europe and China", Transport Problems, Vol. 8, No. 4, pp.45-57.

Wæver, Ole (۲۰۰۴), Aberystwyth, Paris, Copenhagen. New 'Schools' in Security Theory and their Origins between Core and Periphery, Paper Presented at the Annual Meeting of the International Studies Association, Montreal, pp. ۱۷-۲۰.

Yildirim Keser, H. (2014), "Importance of Transport Corridors in Regional Development - The Case of TRACECA", Sosyoekonomi, Vol. 23, No. 24, pp. 163-182.

BP Statistical Review (2014), Available at: <https://goo.gl/QQi2B1>, (Accessed on: 19/7/2015). BP statistical review (2014), Available at

<http://www.bp.com/content/dam/bp/pdf/Energy-economics/statistical-review-2014/BP-statistical-review-of-world-energy-2014-full-report.pdf> (accessed on: 2015-07-19)

Clingendael International Energy Programme (CIEP) (2013), Available at: <https://goo.gl/cl1hkV>, (Accessed on: 10/7/2015).

Clingendael International Energy Programme (CIEP). (2014), available at: <http://www.clingendaelenergy.com/files.cfm?event=files.download&ui=9C1DEEC1-5254-00CF-FD03186604989704> (Accessed on: 10/7/2015).

Geopolitical Analysis and Monitoring (2014), "EU'S CONTRADICTIONS", Available on: <http://geopoliticsrst.blogspot.nl/2014/12/turkey-germany-russia-and-eus.html>, (Accessed on: 18/12/2015).

Gorshkov, T. and G. Bagaturia (2001), "TRACECA-Restoration of Silk Route", Japan Railway and Transport Review Available at: jrtr.net/jrtr28/pdf/f50_gor.pdf, (Accessed on: 5/3/2017).

World Resource Institute (2015), "Aqueduct Projected Water Stress Country Rankings". <http://www.wri.org/sites/default/files/aqueduct-water-stress-country-rankings-technical-note.pdf> (Accessed on: 2017/11/05).

World Resource Institute (2017), "Aqueduct Country And River Basin Ranking:



A World Bank (2017), Armenia, Georgia, Azerbaijan,
<www.worldbank.org/en/country> (Accessed on: 2017/11/05).

نشریه علمی آفاق امنیت / سال چهاردهم - شماره پنجاه و دوم - پاییز ۱۴۰۰

